روزنامه شرق

شنبه ۳ مهر ۱۴۰۰ • ۱۸صفر ۱۴۴۳ • ۲۵سپتامبر ۲۰۲۱

سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۵ • ۱۲ صفحه • ۷۰۰۰ تومان

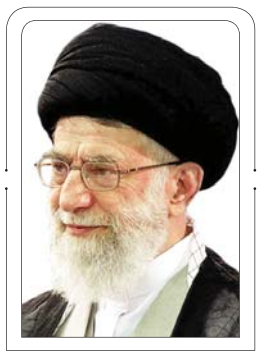

پیام مقام معظم رهبری در تجلیل از شهیدان و ایثارگران:

خون شهدا حقانیت جمهوری اسلامی را بر جبین تاریخ ثبت کرد

پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری: پیام رهبر معظم انقلاب اسلامی به مناسبت روز تجلیل از شهیدان و ایثارگران دفاع مقدس که بعدازظهر پنج‌شنبه توسط حجت‌الاسلام و المسلمین شکری نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید...

صفحه ۲

هاشمی‌رفسنجانی به روایت نزدیکان

آیت‌الله و ناگفته‌هایی از او

گروه سیاست: اخیرا در جلسه‌ای کلاب‌هاوسی برخی از فعالان سیاسی و نزدیکان آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی درباره وجوه شخصیتی، سیاسی و مدیریتی او به اظهار نظر پرداختند. از این پس در کلاب «کافه خبر» هر چهارشنبه از ساعت ۲۰ زوایای مختلف...

صفحه ۴

تضعیف قانونی جایگاه مجلس با طرح «اصلاح قانون نظارت بر رفتار نمایندگان مجلس»:

افزایش نقش شورای نگهبان در بهارستان

صفحه ۲

گفت‌وگوی علی میرسپاسی با داریوش آشوری درباره زندگی و آرای احمد فردید

فیلسوفی با کاریزمای سیاسی

علی لاریجانی به فردید توجه داشت

صفحه ۶

تیترها

مروری بر پیشینه سیاسی رؤسای صداوسیما

سیاست در مقیاس اینچ

صفحه ۲

تکرار راه طی‌شده با رئیسی

تمجیدهای دولت نهم بر قامت دولت سیزدهم

صفحه ۴

دردسر جدید استقلال

صفحه ۱۱

جوابیه دفتر آیت‌الله مجتهد شبستری

واکنش به گزارش «شرق»

صفحه ۲

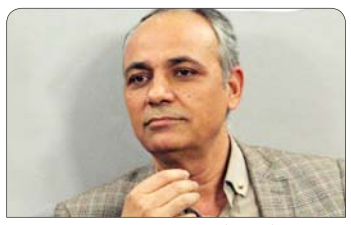

گفت‌وگو با احمد زیدآبادی

دولت‌ستیزی محور جنبش‌های اصلاحی

صفحه ۸

سرمقاله

در غیاب هژمونی

احمد غلامی . سردبیر

از ابتدای دولت‌های انقلاب اسلامی، جدال جناحی در دو سطح «جماعت‌گرایی» و «جمهور مردم» رخ داده است. عناوین طرفین مجادله تغییر کرده اما محل نزاع آنان تغییری جدی نکرده است. اگر زمانی راست سنتی از جماعت‌گرایی و اقتصاد وابسته به آن دفاع می‌کرد، در برابرش چپ اسلامی از جمهور مردم سخن می‌گفت و درصدد بود عدالت اجتماعی را به شیوه‌ای شبه‌سوسیالیستی محقق کند. یکی از طنزهای روزگار این است چپ اسلامی در گذر ایام در اقتصاد تغییر روش داد و به اقتصاد باز یا اقتصاد بازار روی آورد و برداشتی را که راست سنتی از بازار داشت، ارتقا داد و به جنبه‌های تئوریک آن افزود. اگر چپ اسلامی در همان مسیری که با آن آغازیده بود گام برمی‌داشت و تئوری عدالت‌خواهانه‌اش را تقویت می‌کرد و به دیدگاه‌های سوسیالیستی خودش رنگ بومی می‌داد، شاید در اقتصاد اتفاق تازه‌ای رقم می‌زد که می‌توانست زمینه‌ساز جدال جدی در جریان‌های سیاسی کشور باشد؛ جدال‌هایی آشتی‌ناپذیر و اصول‌مند. اما چپ اسلامی به اقتصاد بازار استحاله یافته و با تقویت جنبه‌های تئوریک آن موجب انشقاق در ایدئولوژی‌های جریان‌های چپ و راست شد. جناح راست برای حفظ وضعیت موجود و دفاع از منافع حداکثری‌اش بر جماعت‌گرایی تأکید کرد تا با توان جماعت، نهادهای رسمی و دولت را در اختیار بگیرد. و چه‌بسا این ادعا که جناح راست همواره خود را به بنیان‌ها و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی نزدیک‌تر از اصلاح‌طلبان می‌دید، از همین رویکرد جماعت‌گرایی و دیدگاه سنتی به بازار نشئت گرفته باشد؛ چراکه نقش تاریخی بازار در وقوع انقلاب اسلامی ۵۷، انکارناشدنی است و آنچه باعث فروپاشی نظام سلطنتی شد، نه جمهور مردم بلکه جماعتی باورمند و وفادار بود که حتی سال‌ها بعد از انقلاب اسلامی تا سال ۷۶، در سیاست و اقتصاد ایران هژمونی داشت.

با تغییر و تحولات داخلی که با شعار سازندگی صورت گرفت، دولت هاشمی که خود یکی از باورمندان به جماعت‌گرایی بود، زمینه‌ساز ایده جمهور مردم شد و سرانجام در سال ۷۶ با پیروزی سیدمحمد خاتمی، رویکرد به جمهور مردم با استقبال روبه‌رو شد و چپ سنتی که نیاز به حمایت اکثریتی مردم برای پیشبرد سیاست‌های اقتصادی خود داشت، ایدئولوژی جمهور مردم و حمایت از آن را در دستور کار خود قرار داد. از همین‌جا دلیل عشق و نفرت اصلاح‌طلبان یا همان چپ‌های اسلامی سابق، نسبت به هاشمی‌رفسنجانی را به‌خوبی می‌توان درک کرد؛ چراکه پدر معنوی آنان ناخواسته هاشمی‌رفسنجانی است نه سیدمحمد خاتمی. هاشمی‌رفسنجانی سیاست‌مداری بود که باوری راسخ به جماعت‌گرایی داشت، اما بعد از دوران ریاست‌جمهوری‌اش برای بقا در سیاست، به جمهور مردم روی آورد و تا دم مرگ نیز به این تاکتیک (جمهور مردم) عمل کرد. در سیاست، «اما و اگر» معنا ندارد، اما اگر هاشمی‌رفسنجانی به قدرت دست می‌یافت، بعید بود با رویکرد جمهور مردم به سیاست‌ورزی ادامه بدهد. او جماعت‌گرایی ناب بود که با جماعت به پیروزی رسیده بود و هنوز تأثیر هژمونی جماعت‌گرایی را که با آن توانسته بود رقبای قدرتمندش را بدون چون و چرا کنار بزند، از یاد نبرده بود. برای چپ‌های اسلامی استحاله‌یافته به اصلاح‌طلبان، تاکتیک «جمهور مردم» فرصتی بود که با آن به قدرت رسیده بودند. رویکردی که ۱۶ سال آنان را در اریکه قدرت نگه داشت. صورت قدرت تغییر یافته و به اقتضای این تغییر صورت، جامعه نیز در حال دگرگونی بود. در آن روزگار، جماعت‌گرایی در حضیض خود به سر می‌برد اما آنچه می‌توانست این دگرگونی را عمیق‌تر کند تغییر محتوا (اقتصاد) بود که متأسفانه تغییر جدی نکرد؛ چون نمی‌توانست تغییر کند. تغییر دولت‌ها در این چهار دهه گذشته صرفا در «صورت» رخ داده است؛ چیزی شبیه تغییرات روبنایی. شاید اگر دولت میرحسین موسوی در سال ۸۸ به پیروزی می‌رسید جدال بین جماعت‌گرایی و جمهور مردم، از مرز صورت‌بندی‌ها فراتر رفته و زلزله‌ای در محتوای سیاست‌ورزی به وجود می‌آورد. پس بی‌دلیل نبود که میرحسین موسوی همچون بادام تلخی بود که اصولگرایان حاضر به بلعیدن و هضم آن نبودند و اصلاح‌طلبان نیز صرفا برای رسیدن به قدرت، تلخی آن را تحمل می‌کردند. اولین شباهت‌های اصولگرایان و اصلاح‌طلبان در مواجهه با میرحسین موسوی عیان شد، اگرچه میرحسین درصدد بود با جمهور مردم به قدرت برسد اما مترصد آن بود که محتوای این صورت را تغییر بدهد. اگر چنین چیزی محقق می‌شد، جای زیادی برای اصلاح‌طلبان در دولت او باقی نمی‌ماند و بعید بود بازماندگان راست سنتی و اصولگرایان، دولت او را تا آخر برمی‌تافتند.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

آرمان توسعه اقتصادی و ضرورت آشتی با تاریخ

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

همبستگی ملی و اندیشیدن به آرمانی مشترک با عنوان توسعه را می‌توان یک سرمایه ارزشمند تلقی کرد که جامعه درحال‌توسعه می‌تواند با بهره‌گیری از آن، حرکت خود در مسیر پیشرفت را تسهیل کند. در این راستا، تاریخ و مطالعات تاریخی می‌تواند با تقویت این همبستگی تسهیل‌کننده جریان توسعه باشد. با استفاده از چنین مطالعاتی، مردمان یک سرزمین ضمن آشنایی با گذشته خود، به اهمیت همدلی و داشتن آرمان مشترک پی می‌برند. البته این به آن معنا نیست که سرزمینی بدون سابقه تاریخی آن‌چنانی نمی‌تواند همبستگی ملی را بین ساکنان خود گسترش دهد و ترویج کند، بلکه فقط می‌توان گفت وجود میراث تاریخی مشترک راه را هموار می‌کند. اما آیا صرف وجود تاریخ غنی می‌تواند ملتی را به داشتن آرمانی مشترک به نام توسعه متقاعد کند؟ برای درک بهتر صورت‌مسئله، بی‌مناسبت نیست نگاهی به تاریخ گذشته کشور خویش داشته باشیم. ساکنان فلات ایران که از دیرباز با دشواری کم‌آبی روبه‌رو بودند، طی صدها سال با تلاشی سرسختانه به کندن قنات روی آوردند و حجمی عظیم از خاک را از اعماق زمین بیرون کشیدند تا به ذخایر آب زیرزمینی دست پیدا کنند. گاه ایجاد این شبکه زیرزمینی سال‌های طولانی زمان لازم داشت. به بیان دیگر، چند نسل از مردمان یک منطقه عزم خود را جزم می‌کردند تا با کندن زمین، سرمایه‌ای ماندگار برای نسل‌های آینده به ارث بگذارند. آنان یقین داشتند خود از دستاورد تلاش سرسختانه‌شان بهره نخواهند برد؛ بااین‌حال، باز به قول شاعر دست از طلب برنمی‌داشتند تا کامشان برآید. با مرور تاریخ اجتماعی ایران می‌توان شواهدی از این دست یافت که نشان‌دهنده رواج اندیشه همبستگی در بین مردمان است. آنان خود را نه عنصری منفرد و رهاشده در جهان هستی، بلکه بخشی از یک تاریخ و حرکت مستمر تاریخی می‌دیدند که خود از کاشته‌های نسل قبل برخوردار هستند و طبعا باید برای برخورداری نسل‌های آینده تلاش کنند و با افزایش موجودی دارایی‌های بین‌نسلی، سرزمین خود را آباد کنند. با مروری بر رفتارها و باورهای رایج و ارزش‌های مورد عنایت در جامعه امروز ایران، می‌توان چنین نتیجه گرفت که جامعه امروز از آن دوران فاصله‌ای شگرف گرفته و گویی مردمان امروز به ضرورت نگاه بین‌نسلی اعتنایی ندارند. رفتار مسرفانه در میدان برخورد با منابع تجدیدناپذیر، بی‌اعتنایی به گسترش آلودگی‌های زیست‌محیطی که ناشی از شیوه زندگی مصرفی امروز است و... همه و همه شواهدی برای این ادعا تلقی می‌شوند. در مقام تحلیل و ریشه‌یابی این تغییر چشمگیر، به عوامل متعددی می‌توان اشاره کرد. اما بی‌تردید کاستی و ضعف عملکرد نظام آموزشی کشور در انتقال اطلاعات تاریخی و ارائه تصویری روشن از تاریخ کشورمان به نسل جوان یکی از مهم‌ترین عوامل است. برخورد گزینشی و سلیقه‌ای با تاریخ شرایطی را فراهم کرده که در واقع نسل جوان ما فقط با تصویری محدود از تاریخ آشنا می‌شود. حتی برخی سخنوران به‌راحتی منکر بخش مهمی از تاریخ کشورمان می‌شوند، چون با سلیقه آنان جور درنمی‌آید. در چنین فضایی برخورد با این واقعیت که دانش‌آموختگان جوان کشورمان اطلاعاتشان از تاریخ باستان کشورمان بسیار اندک است و تصوری از تحولات اجتماعی آن ایام ندارند، دیگر چندان جای تعجب ندارد. به بیان خلاصه، ارائه تصویری مخدوش از تاریخ گذشته هرچند ممکن است در کوتاه‌مدت رضایت خاطر صاحبان برخی سلایق سیاسی را جلب کند، اما در بلندمدت با بی‌اعتمادی مردم به نظام آموزش رسمی و بی‌علاقگی نسل جوان به مطالعات تاریخی، موجب خواهد شد جامعه نتواند از یک دارایی ارزشمند خود در مسیر توسعه همه‌جانبه استفاده کند. نسلی که با کمترین اطلاعات تاریخی رشد کند و ببالد، همچون گیاهی با ریشه کوتاه و ضعیف آماده این خواهد بود که با نسیمی از جا کنده شده و به سرزمینی دیگر کوچ کند. کمتر از یک دهه پیش و به دنبال تسلط گروه تروریستی داعش بر بخش‌هایی از منطقه، اخبار نگران‌کننده‌ای درباره تخریب گسترده آثار باستانی منتشر شد. توجیه مدعیان تشکیل دولت اسلامی این بود که این آثار مربوط به دوران پیش از اسلام و یادگار اندیشه شرک و بت‌پرستی است؛ همان‌گونه که همفکران آنان در افغانستان تندیس‌های باعظمت خنگ‌بت و سرخ‌بت را در بامیان از بین بردند و با این حرکت زشت خود، گوشه‌ای از تاریخ گذشته فلات ایران را نابود کردند. داعشیان و فرقه‌های همفکر آنان با راه‌انداختن جریانی که می‌توان آن را تاریخ‌کشی نامید، برگ‌های فراوانی از کتاب تاریخ منطقه را کنده و از بین بردند. اینک کمتر کسی در محکومیت اقدامات این فرقه در میدان تاریخ‌کشی تردید روا می‌دارد؛ بااین‌حال باید دانست جفا به تاریخ به صورت ارائه تصویری گزینشی از آن و کوتاهی در قبال ارائه آموزش تاریخی به نسل جوان نیز نوعی تاریخ‌کشی است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

رکورد پایدار مصرف بی‌رویه سوخت در ایران

علیرضا سلطانی
کارشناس اقتصاد انرژی

مصرف بی‌رویه و نامتناسب سوخت و انرژی، مدتی طولانی است که ایران را در صدر کشورهای پرمصرف جهان قرار داده و ایران برخلاف دیگر کشورها همچنان در این معضل رکورد می‌زند. این پدیده نامیمون سال‌هاست انرژی و توان اقتصادی و توسعه‌ای ایران را گرفته و مانع از تحرک، پویایی و انعطاف‌پذیری اقتصاد ایران در سطحی کلان و صنعت نفت به‌طور خاص شده است. بر اساس گزارش‌های رسمی، شدت مصرف انرژی در ایران چهاربرابر میانگین مصرف جهانی است و خانواده‌های ایرانی تقریبا سه‌برابر میانگین جهانی مصرف گاز و برق دارند. جدای از سیستم سوخت خودروها و وسایل حمل‌ونقل در کشور که به دلیل غیراستانداردبودن و عقب‌ماندگی از فناوری‌های روز از یک‌سو و رشد تعداد وسایل از سوی دیگر، بخش زیادی از گازوئیل و بنزین کشور را مصرف می‌کنند، معضل اصلی، مصرف بی‌رویه گاز طبیعی است. برخورداری عموم مردم ایران از نعمت انرژی گاز، حق طبیعی آنها به‌شمار می‌آید اما به نظر می‌رسد بهره‌مندی بیش از ۹۰درصدی مردم از این نعمت در سال‌های اخیر، مبتنی بر الگوهای مصرف بهینه و اقتصادی نبوده است. به همین دلیل کشور با وجود سرمایه‌گذاری زیاد در بخش تولید گاز در سال‌های اخیر، هرسال و در فصول سرد در تأمین گاز مصرفی خصوصا گاز خانوارها، با مشکل مواجه می‌شود. طبق آمار رسمی، میزان مصرف گاز در کشور هرسال در حدود ۸ تا ۱۰ درصد افزایش می‌یابد. در سال ۱۳۹۹، در حدود ۲۳۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی در کشور مصرف شد که این میزان مصرف در مقایسه با سال ۹۸، در حدود هشت درصد افزایش را نشان می‌دهد. از این میزان مصرف، ۱۲۲ میلیارد مترمکعب سهم بخش خانگی، تجاری و صنایع غیرعمده، ۲۴ میلیارد مترمکعب سهم صنایع عمده و ۶۶ میلیارد مترمکعب گاز سهم نیروگاه‌ها بوده است. با این تفاسیر باید هشدار وزیر جدید نفت، درباره معضل مصرف بی‌رویه سوخت و خصوصا گاز را جدی تلقی کرد. جواد اوجی از روز ابتدایی شروع به کار در وزارت نفت، مهم‌ترین دغدغه این وزارتخانه را تأمین کسری ۲۰۰ میلیون مترمکعبی گاز در فصل زمستان اعلام کرد و تلاش کرد مجموعه تحت مدیریت خود و همچنین بخش‌های مصرفی خصوصا صنایع و نیروگاه‌ها را نسبت به آمادگی جهت مدیریت مصرف گاز در ماه‌های سرد آینده از طریق افزایش تولید در پارس جنوبی و همچنین تمهیدات لازم برای تهیه و تأمین سوخت جایگزین در نیروگاه‌ها و صنایع بزرگ، ترغیب کند. این اقدامات اما، اقداماتی تسکینی و نه راه‌حل‌های پایدار برای مصرف بی‌رویه گاز در کشور است. مصرف گاز در ایران با جمعیتی حدود ۸۲ میلیون نفر تقریبا با مصرف گاز در کشور چین با جمعیتی حدود یک‌میلیاردو ۳۰۰ میلیون نفر، برابری می‌کند و این نشان‌دهنده هدرروی و به عبارتی کفران نعمت در کشور است. اهمیت مسئله جدای از ملاحظاتی مانند منافع نسل‌های آینده، مخاطرات زیست‌محیطی و تولید گازهای گلخانه‌ای، زیان‌های اقتصادی و توسعه و ظرفیت تولید گاز از میدان‌های گازی است. واقعیت این است که ایران با این شدت مصرف، نیاز دارد که هرسال میلیون‌ها دلار در بخش‌های تولید گاز طبیعی سرمایه‌گذاری کند اما همه مشکل سرمایه‌گذاری نیست بلکه باید گازی باشد که امکان سرمایه‌گذاری برای تولید آن وجود داشته باشد. گزارش‌های رسمی نشان می‌دهد که عمر میدان گازی پارس جنوبی به نیمه رسیده و این میدان با توجه به رقابت ایران و قطر در برداشت از آن، کم‌کم با افت فشار مواجه می‌شود و از هم‌اکنون باید سرمایه‌گذاری کلانی برای حفظ و افزایش فشار تولید گاز در این میدان صورت گیرد. ذخایر گازی ایران دائمی نیستند و تولید گاز در این کشور همیشه ارزان نخواهد بود. بنابراین باید تمهیدات پایدار و ریشه‌ای برای حل مسئله صورت گیرد تا از مزمن و سخت‌شدن حل مسئله جلوگیری شود؛ هرچند این سختی و مزمنی به نظر می‌رسد به وجود آمده است. اصلاح الگوی مصرف گاز در ساختمان‌ها، اصلاح نظام قیمت‌گذاری، اصلاح و بهسازی خطوط انتقال و اصلاح الگوی مصرف صنایع بزرگ و نیروگاه‌ها باید در دستور کار جدی دولت قرار گیرد. شدت مصرف انرژی در ایران، زمینه‌ساز معضل دیگری در اقتصاد است که آن یارانه‌های آشکار و پنهان انرژی است. یارانه آشکار، رقم ۴۵ هزار تومانی است که از سال ۸۹ به‌صورت ثابت و یکسان به جمعیتی در حدود ۷۰ میلیون‌نفر پرداخت می‌شود. مجموع رقم پرداختی یارانه آشکار سالانه ۳۷ هزار میلیارد تومان است. اما این رقم در مقایسه با رقم مجموعه یارانه پرداختی و یارانه‌های پنهان، عددی محسوب نمی‌شود. بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی، ایران در سال ۲۰۲۰ میلادی، به تنهایی حدود ۱۶.۵ درصد از یارانه مصرف سوخت‌های فسیلی در جهان (۱۸۱ میلیارد دلار) را پرداخت کرده و از این حیث در صدر جدول جهانی قرار دارد.

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

وکالت و چالش‌های جدید آن

وحید قاسمی‌عهد . وکیل پایه‌یک دادگستری

بهترین مثال بارز توسعه ناموزون، توسعه انسانی در ایران است. سوءمدیریت آشکار در حوزه آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی نه‌تنها موجب افول برخی از رشته‌های مهم همچون تاریخ، معارف اسلامی، فقه، فلسفه، ادبیات فارسی، زبان انگلیسی، زبان فرانسه، ادبیات عرب و حتی اقتصاد و... شده، بلکه به دور از هر برنامه مشخصی برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون حقوق، دارای بیشترین متقاضی و دانشجو است. نگاه سوداگرایانه صرف به مقوله آموزش، تنها به رشد کمی دانش‌آموختگان و رشد قارچ‌گونه مؤسسات آموزشی منجر شده است. در نتیجه این بی‌تدبیری، بی‌کیفیتی مدارک در کنار بی‌کاری دانش‌آموختگان، امروز بلای جان سایر بخش‌ها و نهادها شده است. امروزه بر کسی پوشیده نیست بسیاری از واحدهای دانشگاهی تنها برای بقای خود بدون آنکه هیئت‌علمی و نیروی انسانی مناسب یا مرتبطی داشته باشند، در سطوح عالی رشته حقوق دانشجو می‌پذیرند و از این رهگذر بقای خود را تضمین می‌کنند. در همین میان مجلس شورای اسلامی بدون آنکه به علت بپردازد، در پی ساماندهی معلول است. چنانچه نمایندگان در جلسه علنی مورخ ۲۴ شهریور ۱۴۰۰ با کلیات طرح تسهیل صدور برخی مجوزهای کسب‌وکار موافقت کردند. طرح در مقام اصلاح تبصره ماده ۱ قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت مصوب ۱۳۷۶/۱/۱۷ مقرر می‌کند: «کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده مکلف‌اند هر سال از طریق سازمان سنجش آموزش کشور نسبت به برگزاری آزمون پروانه وکالت اقدام کنند. داوطلبانی که حداقل هفتاد درصد (۷۰٪) امتیاز میانگین نمرات یک درصد (۱٪) حائزان بالاترین امتیاز را کسب کرده‌اند، قبول اعلام شده و جهت طی مراحل مقتضی به مرجع صدور مجوز مربوطه معرفی می‌شوند. نظارت بر اجرای این تبصره بر عهده وزیر دادگستری است و وزارت مزبور مکلف است در صورت استنکاف کانون وکلای دادگستری و مرکز وکلا، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده از برگزاری آزمون، رأسا به برگزاری آن اقدام کند». علاوه بر این ایراد که برخی از نمایندگان محترم ظاهرا در تشخیص ماهیت شغل وکالت و هدف آن به بیراه رفته‌اند و در تلاش‌اند با تصویب طرح قواعد بازار آزاد را به شغلی که هدفش حمایت از حقوق انسان‌ها است، تسری دهند.

ادامه در صفحه۲